

حبس نامه

مجموعه سروده های

داریوش قره باغی



سرشناسنامه	۱۳۵۳، قره باغی، داریوش
عنوان و نام پدیدآورنده	حبس نامه/مجموعه شعرهای داریوش قره باغی
مشخصات نشر	انتشارات آنان، تهران ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری	۱۴×۵/۲۱×۵/۲۱، ص ۱۶۲، ۹۷۸۶۲۲۹۷۱۱۶۵۰۱
شابک	۹۷۸۶۲۲۹۷۱۱۶۵۰۱
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	Persian poetry -- ۲۰th century
رده بندی کنگره	PIR۸۳۵۷
رده بندی دیویی	۸۴۶۲/۱
شماره کتابشناسی ملی	۷۲۹۱۶۵۷

حبس نامه

مجموعه شعرهای داریوش قره باغی

مراح جلد: سید محسن محمدی مطلق

ویراستار: فرشید داوودی

صفحه آرا: خدیجه صفالو منزله

ناشر: آنان

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۷۰۰۰ ریال

فهرست

۱۲	پیشگفتار.....
۱۵	سرآغاز.....
۱۶	رفق.....
۱۷	اینه ی درد.....
۱۸	بی قرار.....
۱۹	تا به ابد.....
۲۰	گریه ی پرشمار.....
۲۱	تا پای جان.....
۲۲	جان به تن افتاد.....
۲۳	آوازه ی باران.....
۲۴	سالها.....
۲۵	دریای عشق.....
۲۶	تا تو را دیدم.....
۲۷	تار زندگی.....
۲۸	آشنا کن.....
۲۹	دل آشفشان.....
۳۰	باران غم.....
۳۱	عشق شیرین.....
۳۲	دل درویش می نالد.....
۳۳	تندیس غصه.....
۳۴	دنیای بی نام و نشانم.....
۳۵	غم غربت.....

فهرست

۳۶	 وعده های عاشقی.....
۳۷	 غربت سرا.....
۳۸	 شب تار.....
۳۹	 شور باران.....
۴۰	 انتظار.....
۴۱	 مر.....
۴۲	 حصار.....
۴۳	 آهنگ پیری.....
۴۴	 دل طوفان زده.....
۴۵	 با تمامی غرور.....
۴۶	 سر به تنهایی.....
۴۷	 غرق رویا.....
۴۸	 عمر کوتاه.....
۴۹	 گریه نکن از پشت خط.....
۵۰	 آواره.....
۵۱	 شهره ی بازار.....
۵۲	 بد نگاهم نکن.....
۵۳	 اسب زمان.....
۵۴	 عشق ناب.....
۵۵	 قبیای عاشقی.....
۵۶	 وقتی با منی.....
۵۷	 نگاهت آه.....

فهرست

۵۸	 تقدیر
۵۹	 زندگی
۶۰	 در بهار و زنگار
۶۱	 مردم و بازی
۶۲	 کی شود
۶۳	 دریا
۶۴	 بانگ صدای تو
۶۵	 گریزان
۶۶	 جدا گریده
۶۷	 خاکسترم
۶۸	 هوای عشق تو
۶۹	 بیچاره ام
۷۰	 چشم انتظاری
۷۱	 آمدی
۷۲	 مثل گرمای جنوبی
۷۳	 عشق پاک
۷۴	 در هوای تو
۷۵	 لنگر عشق
۷۶	 آمده
۷۷	 آتش عشق
۷۸	 تیر عشق
۷۹	 غم دنیا

فهرست

۸۰	غم فراوان
۸۱	شوق جوانی
۸۲	یک جهان غم
۸۳	شیون
۸۴	مهر
۸۵	ز به کن
۸۶	بی بهر
۸۷	از من گرفتار
۸۸	شوق پرواز
۸۹	فصل سرما
۹۰	عشق امروزی
۹۱	از تبار عشق
۹۲	شدم پوسیده
۹۳	عشق زیبا
۹۴	در فضای سینه ی من
۹۵	بیا لیلای من
۹۶	عشق وطن
۹۷	کشتی حق
۹۸	فصل زرد
۹۹	هم صدایی
۱۰۰	همه آب و گل من
۱۰۱	دست تقدیر

فهرست

۱۰۲	 باده ی عشق
۱۰۳	 در پهنه ی دریای دل
۱۰۴	 گرفتار غمی ی انتها
۱۰۵	 لب عشق
۱۰۶	 سرگردان
۱۰۷	 بوی عطرا من دلدار
۱۰۸	 به شوق روی تو
۱۰۹	 عهد بستم
۱۱۰	 عشق خاموش
۱۱۱	 گشته ای از من جدا
۱۱۲	 آزار غربت
۱۱۳	 دریاور دوست
۱۱۴	 بی وفا
۱۱۵	 ای دیوار
۱۱۶	 پیوند
۱۱۷	 عشق سوزان
۱۱۸	 امید فرداها
۱۱۹	 دلم هوای تو دارد
۱۲۰	 خاک پایت
۱۲۱	 آشنای مهربان
۱۲۲	 بهای شاعری

فهرست

۱۲۳	جدایی.....
۱۲۴	رقصم به هر ساز.....
۱۲۵	سوق آغاز.....
۱۲۶	ستاره ی زرین.....
۱۲۷	اشک سوق.....
۱۲۸	ناهان.....
۱۲۹	هم زبن.....
۱۳۰	صورت ماه.....
۱۳۱	قفق.....
۱۳۲	قفق غربت خود.....
۱۳۳	برو.....
۱۳۴	سایه.....
۱۳۵	در بر یار.....
۱۳۶	لایق تربنی.....
۱۳۷	کشتی امید.....
۱۳۸	جاده های بی نشان.....
۱۳۹	بزن تار.....
۱۴۰	دل پردرد و زارم.....
۱۴۱	سوق خدا.....
۱۴۲	پهنه ی عشق.....
۱۴۳	زخم.....
۱۴۴	شربت شیرین.....

فهرست

۱۴۵		رخنه کرده
۱۴۶		تب سوزنده
۱۴۷		قرا
۱۴۸		نمار بکرمن
۱۴۹		قسم
۱۵۰		مانند دریا
۱۵۱		در تمام عمر
۱۵۲		آرزو دارم
۱۵۳		یک جهان شور عشق
۱۵۴		آشنای آتشین
۱۵۵		بی خواب توام
۱۵۶		مهر خاموشی
۱۵۷		چون شعله ای خاموش
۱۵۸		آغوش گرم
۱۵۹		راه رفاقت
۱۶۰		زخم زمانه
۱۶۱		یک جهان گل
۱۶۲		دلم هوای تو دارد

پیشگفتار

داریوش قره باغی از دیده‌ی من یکی از افراد با استعداد و خوش ذوق و علاقمند به ادبیات بخصوص شعر است و این اشعار بیشتر در قالب غزل میبایشد.

داریوش "درویش" علیرغم عدم برخورداري از سواد بالا، به لحاظ اینکه در خانواده‌ی پدری وی به ویژه در میان بزرگان خانواده علاقه به شعر و سرودن ذاتی است از طرفی هم غم دلتنگی و دوری از خانواده و آشنایان در طول بیش از ده سال و تجربه‌ی تلخ در بند غربت بودن وی را به سوی سرودن شعر سوق داده است. او را در سرایش تقویت کرده است.

در سروده‌های درویش غم غربت و دوری از خانواده و آشنایان کاملاً مشهود است و شاعر به خرمی رانسته است غمها و اندوه‌های درونی خود را بروز داده و بازگو نماید که آدمی با خماندگی شعرهای داریوش ناخودآگاه بیاد مسعود سعد سلمان زندان‌های سو، دهک‌می افتد که شاعر در سالهای متوالی در آن زندان‌ها عمر خود را تنها با دیدن در و دیوار و سر به فلک کشیده‌ی زندان‌ها سپری کرده و مکتوبات درونی خود را ابراز داشته است.

شاعر، فرزند دریا است و با دریا بزرگ شده است. دریا پنجه نرم کردن با امواج دریا را تجربه کرده و خشم دریا را در طول شش ماه خزان زمستان و بادهای موسومی لمس کرده و در سروده‌های خود آورده است. دریا رنجهای خود را در طول چند سال دور بودند از دیار و خواستگاه خاطره‌های خود با خشم دریا سرکشی موجها و طوفان‌ها پیوند زده است در عین حال رنج دوری از خانواده خود را فراموش نکرده و به نوعی در سروده‌های خود انعکاس داده است.